

وظایف و کارکرد حکام ایالات و ولایات در دوره قاجاریه*

زهرا قلاوند^۱ / هوشنگ خسروبیگی^۲

چکیده

قلمرو حکومت قاجاریه از لحاظ سیاسی به ایالات و ولایات تقسیم بندی می‌شد. در رأس هرم قدرت در ایالات و ولایات، شخص حاکم قرار داشت. حکام غالباً از میان شاهزادگان و هر از گاهی از متنفذین محلی و یا شخصیت های نظامی یا دیوانی تعیین می‌شدند. در نتیجه، در برخی موارد با توجه به جایگاهشان تفاوت‌هایی در میزان اختیارات ایشان به چشم می‌خورد. با این حال غالباً حکام دارای کارکردها و وظایف یکسانی بودند. در این مقاله با روش تاریخی و اتکا به منابع این دوره، به بررسی چگونگی وظایف و کارکردهای حکام و میزان اهمیت این وظایف از دیدگاه حکومت مرکزی پرداخته شده‌است. دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد که کارکردهای حکام در سه حوزه: سیاسی اداری، مالی اقتصادی، و نظامی قابل تفکیک است. در این میان تأمین امنیت و سرکوب شورش‌ها با هدف حفظ اقتدار حکومت مرکزی، اخذ مالیات و تأمین نیروی نظامی از مهم‌ترین وظایف حکام محسوب می‌شد. این سه وظیفه به عنوان عامل بقای حکام نقش مهمی را در این دوره ایفا می‌کرد. واژگان کلیدی: ایران، قاجاریه، حکام ایالات و ولایات.

Duties and Functions of Rulers of the States and Provinces in the Qajar Period

Zahra Ghalavand³ / Hooshang khosrobeigi⁴

Abstract

According to political aspects of the period, the territories of the Qajar dynasty were divided into several states and provinces. The ruler was at the top of the pyramid of power of states and provinces. Rulers often were determined from princes, influential persons or military and tribunal personnel. In some cases, due to differences of political positions of each appointment, a series of authoritative disagreement and discontent emerged. Nevertheless, rulers were appointed with similar functions and duties. In this article, we examine the functions and duties of rulers and the extent of importance of these duties in reference to the central government of the period. The results of this research show that we can discriminate the functions of rulers in three categories. These categories are: political, administrative and economical. The most important duties of rulers were preservation of security and repression of revolutions with the aim of keeping the authoritative legitimacy of the central government. Furthermore, Tax collections and utilization of militaristic reinforcements were some of the procedures with which rulers maintained repressive order in the period. Generally, political, administrative and financial duties, which have been exemplified earlier, were considered to be the agents that made the survival of the central government possible.

Key words: Iran, Qajar Dynasty, Rulers of the States and Provinces.

۱. دانشجوی دوره دکترای تاریخ ایران اسلامی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) *تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۶/۱۵ تاریخ پذیرش

۱۳۹۳/۹/۲۵

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

3. PhD Student, Department of History, Payame Noor University, E-mail: tarikh.shosh@gmail.com

4. Associate Professor, Department of History, Payame Noor University, E-mail: kh_beagi@pnu.ac.ir

مقدمه

نظام سیاسی اداری و نظام ایالات حکومت‌های ایرانی یکی از موضوعات جدیدی است که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این موضوع تا کنون کمتر مورد تحقیق واقع شده است و برای شناخت چگونگی اداره ایالات و ولایات می‌تواند مفید باشد. سلسله قاجار بیش از صد و سی سال در ایران حکومت کرد. حکومت مزبور نیز همچون سایر حکومت‌های ایرانی از نظام سیاسی و اداری خاصی برای اداره کشور بهره گرفت. شیوه کشورداری و نظام اداری هر حکومت یکی از مهم‌ترین ارکان در کشورداری آن دولت محسوب می‌شود. در این میان نظام اداره ایالات به جهت واسطه قرار گرفتن میان حکومت مرکزی و مردم مورد توجه دولتمردان قرار داشت. با به حکومت رسیدن آقامحمدشاه با عنایت به کوتاه بودن دوره حکومت وی، نظام سیاسی و اداری کشور تغییری نیافت. اما از دوره فتحعلی شاه با توجه به رخدادهای سیاسی و نظامی این دوره همچون هجوم روس‌ها و همچنین شورش‌های متعدد در نظام سیاسی و اداری کشور تغییرات چندی روی داد. فتحعلیشاه قاجار سیاست «قاجاری کردن» حکومت را با انتصاب شاهزادگان قاجاری در رأس ایالات و ولایات در پیش گرفت. بدین صورت در سلسله مراتبی پایین‌تر از شاه، حاکم در رأس هرم سیاسی در ایالات و ولایات قرار می‌گرفت. این شخص از سوی شاه به عنوان مهم‌ترین رکن در ساختار سیاسی و اداری ایالات و ولایات برای مدت زمانی معین به کار گمارده می‌شد. حاکمان دارای اختیارات ویژه‌ای از سوی حکومت مرکزی بودند. در مقابل وظایفی نیز از سوی حکومت مرکزی به ایشان محول می‌شد. از این رو، حکام دارای کارکردهای فراوان مالی، سیاسی اداری و نظامی بودند. در این مقاله به بررسی کارکردهای سیاسی اداری، نظامی، و مالی حکام دوره قاجار پرداخته می‌شود. شناسایی این کارکردها و بررسی اهمیت هر یک و تنظیم شرح مدون وظایف حکام با اتکا به منابع، مهم‌ترین هدف این تحقیق تاریخی محسوب می‌شود.

کارکرد سیاسی و اداری حکام

در راس ساختار اداری و سیاسی ایالات و ولایات و شهرها، حاکمان قرار داشتند. آنان به عنوان نماینده سیاسی حکومت مرکزی وظیفه اداره قلمرو سیاسی تحت امر خود را داشتند. اگرچه کسانی چون وزیر، مستوفی و دیگر مقامات محلی، حاکم را در انجام وظایف و کارکردهای سیاسی‌اش یاری می‌کردند، ولی مقام پاسخ‌گو در این حیطة در مقابل حکومت مرکزی، شخص حاکم بود.

مهم‌ترین کارکردهای سیاسی حکام تلاش به منظور حفظ امنیت سیاسی در قلمرو تحت

حکومت خود بود. در راستای حفظ امنیت در منطقه، حاکم می بایست در وهله نخست امنیت عمومی را در منطقه تحت حکومت خویش حفظ نماید.^۵ در دستورالعمل سال ۱۳۰۵ ق. در این مورد آمده است: «فریضة تکلیف حکومت ترتیب حصول امنیت شوارع و ولایات و توابع است... حاکم نیز از هیچ سارق و جانی به رشوه و تعارف و توسط اشخاص نگذشته، حتما مجازات دهد که اگر خلاف این تکلیف هر حاکمی ظهور نماید، اسباب خطر او تا درجه محدود به وجود او خواهد بود.»^۶ در راستای حفظ امنیت عمومی یکی دیگر از وظایف حکام، سرکوب شورش‌هایی بوده که بعضاً در برخی مناطق رخ میداد. یکی از عمده اقدامات حکام مازندران، استرآباد، و خراسان سرکوب شورش ترکمانان در آن منطقه و همچنین مبارزه حکام کرمان با بلوچ‌ها نیز در همین حیطه قرار می‌گرفت.^۷

در برخی مواقع در صورت بروز شورش در یک ایالت یا ولایت از حکام سایر ایالات برای سرکوب این شورش‌ها استفاده می‌شد.^۸ به عنوان نمونه در سال ۱۲۰۶ ق. که مردم خوزستان دست به شورش زدند، لطفعلی خان حاکم اردلان مامور سرکوب آن شورش شد.^۹ گاهی اوقات حکام موظف بودند به سپاهی که از سوی حکومت مرکزی به منظور سرکوب شورش‌های محلی اعزام می‌شد از جنبه تأمین تجهیزات مدد برسانند.^{۱۰} اهمیت سرکوب شورش‌ها از نظر حکومت مرکزی تا بدان جا بود که برخی از حاکمان به علت ناتوانی در سرکوب این شورش‌ها و بی‌نظمی‌ها از حکومت برکنار می‌شدند. به عنوان نمونه شهاب‌الملک حاکم کرمان،^{۱۱} حسین‌قلی خان نظام‌الدوله حاکم فارس،^{۱۲}

۵. مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به شماره ۲۹۶/۲۱۴.

۶. دستورالعمل حکام سال ۱۳۰۵ ق. به نقل از: فریدون آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار (تهران: آگاه، ۱۳۵۶)، ص ۴۷۲.

۷. رضا قلی خان هدایت، تاریخ روضه الصقای ناصری، ج ۹، تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر (تهران: اساطیر، ۱۳۸۰)، ص ۵۲؛ محمد حسن خان اعتمادالسلطنه. روزنامه خاطرات (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰)، ص ۷۰۰-۶۱۹؛ احمد علی خان وزیر کرمانی، تاریخ کرمان، ج ۲، به اهتمام محمد ابراهیم باستانی پاریزی (تهران: ابن سینا، ۱۳۵۴)، ص ۷۹۳.

۸. فتح‌الله ساروی، احسن التواریخ: تاریخ محمدی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱)، ص ۱۱۹؛ محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۶)، ص ۱۸۳۲؛ هدایت، ج ۹، بخش اول، ص ۷۴۹۴.

۹. خسرو بیگ اردلان، لب التواریخ: تاریخ اردلان (تهران: کانون خانواده اردلان، ۲۵۳۶)، ص ۷۹.

۱۰. ساروی، ص ۲۶۶.

۱۱. وزیر کرمانی، ج ۲، ص ۸۲-۸۱۶.

۱۲. میرزا حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، ج ۱، به اهتمام منصور رستگار فسایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲)، ص ۷۹۰.

عیسی خان حاکم گیلان،^{۱۳} آصف‌الدوله حاکم کرمان،^{۱۴} امین‌الدوله حاکم اصفهان،^{۱۵} حسن خان یزدی حاکم کرمان،^{۱۶} شاهزاده ولی میرزا حاکم خراسان،^{۱۷} و همچنین امیرزاده خانلر میرزا حاکم کرمان^{۱۸} در پی ناتوانایی در سرکوبی شورش‌های قلمرو خود از حکومت برکنار شدند. اهمیت مسأله حفظ امنیت در مناطق تحت حکومت حکام و والیان تا بدان حد بود که ناتوانایی حکومت اردلان در برقراری امنیت و سرکوب شورش‌های منطقه اورامان، یکی از عوامل زمینه ساز برکناری حکومت این خاندان بود.^{۱۹} واکنش حکومت مرکزی در عزل حکام و حتی شاهزادگان حاکم در موارد یادشده که به تعدادی از آن‌ها اشاره شد، نشان دهنده اهمیت سرکوب شورش‌ها در راستای ایجاد امنیت در مناطق تحت حکومت حکام می‌باشد. حکام ایالات و ولایات علاوه بر برقراری امنیت در منطقه، وظیفه ایجاد و حفظ امنیت در جاده‌ها و راه‌ها را نیز بر عهده داشتند. آنان موظف بودند به وسیله «قره سوران» امنیت جاده‌ها را تضمین کنند. در دستور العمل حکام سال ۱۳۰۵ ق. به وظیفه مزبور به عنوان یکی از وظایف اصلی حکام اشاره شده است.^{۲۰} در مواردی نیز برای حفظ امنیت در مناطق مرزی، حکام مناطق مزبور از سوی حکومت مرکزی مأمور انجام مذاکرات سیاسی و یا پذیرش مأمورینی از کشورهای همجوار بودند. در وقایع اتفاقیه آمده‌است که در سال ۱۲۸۲ ق. والی کردستان مأمور امضای قرارنامه با پاشای سلیمانیه شد.^{۲۱}

از دیگر کارکردهای سیاسی و اداری حکام در ایالات و ولایات، عزل و نصب حکام جزء بود.^{۲۲} همچنین اعطای هدیه و اعطای لقب و به طور کلی مورد تقدیر قرار دادن حاکمان جزء، ریش سفیدان، کلانتران، خوانین، و کدخدایانی که وفاداری، صداقت، و تبعیت خود را به حاکمیت و حکمران به

۱۳. لسان‌الملک سپهر، *ناسخ‌التواریخ*، ج ۱، به کوشش جمشید کیانفر (تهران: اساطیر، ۱۳۷۷)، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۱۴. وزیری کرمانی، ج ۲، ص ۸۴۶.

۱۵. اعتماد السلطنه، *مرآت‌البلدان*، ج ۳، ص ۱۵۶۶.

۱۶. هدایت، ج ۹، بخش اول، ص ۷۵۲۵.

۱۷. همان، ج ۹، بخش دوم، ۷۷۰۰.

۱۸. همان، ج ۱۰، ص ۸۱۸۸.

۱۹. وقایع نگار کردستانی، *حدیقه ناصری و مرآت‌الظفر جغرافیا و تاریخ کردستان*، تصحیح محمد رئوف توکلی (تهران: توکلی،

۱۳۸۱)، ص ۱۵۰.

۲۰. فریدون آدمیت و همناطق، ص ۴۷۰-۴۵۴؛ نظام السلطنه مافی، *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی*، ج ۱،

به کوشش معصومه مافی و منصوره اتحادیه (تهران: نشر تاریخ، ۱۳۶۸)، ص ۸۸.

۲۱. *روزنامه وقایع اتفاقیه*، نمره ۳۰۷، ربیع الثانی ۱۲۷۳، ص ۴.

۲۲. حسینی فسایی، ج ۱، ص ۷۴۸؛ نظام السلطنه مافی، ج ۱، ص ۲۳۷؛ مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به

اثبات رسانده بودند، نیز از دیگر کارکردهای سیاسی داری حکام بود. برای نمونه در مرآت‌البلدان آمده‌است: «بر حسب استدعای نواب والا حشمة‌الدوله حکمران خراسان، حاجی شریف مستشار لشکر و حاکم ترشیز به لقب مستشار الدوله مباحی آمد.»^{۲۳} همچنین حکام بر چگونگی اداره مناطق تحت حکومت خویش نظارت داشته و از مناطق مزبور سرکشی و بازدید به عمل می‌آوردند.^{۲۴} پذیرایی و مهمانداری از شاه، ماموران حکومت مرکزی و درباریان به هنگام سفر آن‌ها به ایالات و ولایات، و تهیه امکانات پذیرایی از آنان از دیگر وظایف اداری حکام بود.^{۲۵} برای نمونه در سال ۱۲۷۵ق. ناصرالدین شاه به کردستان مسافرت کرد و «چون آذوقه که قشون سلطانی را کفایت کند در آن ولایت نبود،» موجب رنجش و ناراحتی ناصرالدین شاه شد.^{۲۶} همچنین در صدرالتواریخ آمده‌است که «در زمان سلطنت فتحعلیشاه چندی حکمران کاشان بر حسب امر دولت از شاهزاده هرات محمود میرزا پذیرایی و مهمانداری کرد.»^{۲۷} این وظیفه شامل استقبال و مهمان نوازی از سفرا و نمایندگان خارجی نیز می‌شد.^{۲۸}

کارکرد اقتصادی

در دوره قاجاریه مهم‌ترین وظیفه حکام جمع‌آوری و اخذ مالیات و ارسال آن به حکومت مرکزی در موعد مقرر بود. در دوره سلطنت آقا محمدشاه، مستوفی‌الممالک یکی از مقامات مهم درباری عصر محسوب می‌شد. در عهد سلطنت فتحعلیشاه تشکیلات اداری مربوط به امور مالیاتی توسعه یافت و نقش مستوفی‌الممالک پررنگ‌تر شد. زیرا، به جز درآمد گمرکات، مهم‌ترین منبع درآمد حکومت، مالیات بود. تنظیم امور مالیات بر عهده مستوفی بود، وظیفه عمده مستوفیان رسیدگی به «حساب و جمع و خرج» کشور، انجام امور مالی مرکز و ایالات، و از جمله «مالیات، مستمری‌ها و ادراعات» بود.^{۲۹}

۲۳. اعتماد السلطنه، مرآت‌البلدان، ج ۳، ص ۱۶۰۳.

۲۴. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۹، پنج‌شنبه ۱۲ ربیع‌الاول سال ۱۲۶۹، ص ۴.

۲۵. مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به شماره ۲۹۵/۸۹۰؛ ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه عراق عجم (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۶)، ص ۸؛ غلامحسین افضل‌الملک، افضل‌التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱)، ص ۸۶.

۲۶. عبدالقادر بابایی، سیرالاکراد در تاریخ و جغرافیای کردستان، به کوشش محمد رئوف توکلی (تهران: توکلی، ۱۳۷۷)، ص ۸۶.

۲۷. اعتمادالسلطنه، صدرالتواریخ، به کوشش محمد مشیری (تهران: روزبهان، ۱۳۵۷)، ص ۲۸.

۲۸. اولیویه، سفرنامه اولیویه، ترجمه محمد طاهر میرزا و تصحیح غلامرضا وهرام (تهران: اساطیر، ۱۳۷۹)، ص ۳۰؛ نظام السلطنه

مافی، ج ۱، ص ۲۶۳؛ هدایت، ج ۹، بخش اول، ص ۷۴۹۰.

۲۹. سرجان ملک، تاریخ ایران، ج ۲، ترجمه اسماعیل حیرت (تهران: فرهنگسرا، ۱۳۶۲)، ص ۲۲۲.

مستوفیان مرکز برای انجام کار خود چهار دفتر داشتند. در دفتری که به آن «جزء و جمع» می‌گفتند اسامی ایالات و ولایات کشور، بلوکات، نواحی، و دهات ثبت شده و در آن دفتر مقدار و مصرف عواید نوشته می‌شد. دستورالعمل هر منطقه قبل از عید نوروز آماده می‌شد و به امضای مستوفی‌الممالک، صدراعظم، و به تأیید شاه می‌رسید و برای اقدامات لازم به ولایات ارسال می‌شد.^{۳۰} حکام ولایات موظف بودند که با کمک ماموران محلی دیوان استیفاء و براساس دستورالعمل مذکور، مالیات و سایر درآمدها را گردآوری و بخشی از آن را براساس موارد تصریح شده در دستورالعمل در محل هزینه کنند و باقی مانده درآمد را به خزانه شاهی انتقال دهند.^{۳۱} مالیات براساس ممیزی بود که هر چند سال یکبار تجدید می‌شد. مستوفی‌الممالک با توجه به آخرین ممیزی، دستورالعمل را برای حکام هر یک از ولایات صادر می‌کرد تا براساس آن مالیات و سایر درآمدهای دولتی را وصول و برای مخارج از پیش تعیین شده هزینه کنند.^{۳۲} گاهی حکومت مرکزی برای اخذ مالیات فرمان‌هایی را به حکام ولایات ارسال می‌کرد.^{۳۳}

اما در ولایاتی که حاکمان آن از استقلال داخلی برخوردار بودند، جمع‌آوری مالیات به طور مستقل توسط حاکم صورت می‌گرفت و دولت در آن امر دخالتی نداشت. در ولایت اردلان تا اواسط دوره محمد شاه، والیان اردلان در گردآوری مالیات قلمرو خود استقلال داخلی داشتند. یعنی والی توسط عمال زیر دست خود همچون حکام بلوکات، مستوفیان، مباشرین، مالکان، و کدخدایان این مالیات را از سراسر قلمرواش گردآوری کرده و به مرکز ارسال می‌نمود. اما، در اواخر عمر این حکومت به دلیل ضعف درونی حکومت بنی اردلان و گسترش دخالت‌های حکومت مرکزی در این قلمرو، برای وصول مالیات مأمورانی روانه شدند.^{۳۴} همچنین وصول مالیات ولایت پشتکوه فقط به وسیله شخص والی امکان‌پذیر بود و عاملین و ضابطین مالیاتی حکومت مرکزی به هیچ وجه در پشتکوه نفوذی نداشتند. راولینسون در این مورد می‌نویسد که والی خود شخصاً وصول مالیات می‌کند و آن را به حکومت کرمانشاهان (که در آن زمان محمد علی میرزا دولت‌شاه بود) تحویل

۳۰. آ. ک. س. لمبتون، *ایران در عصر قاجار*، ترجمه سمین فصیحی (مشهد: جاویدان خرد، ۱۳۷۵)، ص ۱۱۳.

۳۱. عبدالله مستوفی، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری ایران* (تهران: زوار، ۱۳۷۱)، ص ۴۲۲.

۳۲. همان، ص ۴۲۱.

۳۳. مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به شماره ۲۹۶/۱۷۸۱۹.

۳۴. وقایع نگار کردستانی، ص ۲۵۴؛ مسیو چریکف، *سیاحتنامه*، ترجمه آبکار مسیحی، به کوشش علی اصغر عمران (تهران:

امیرکبیر، ۱۳۷۹)، ص ۱۹۰.

می‌دهد.^{۳۵}

به طور کلی حاکمان، علاوه بر وصول مالیات‌ها برای دربار، خود نیز نوعی باج و خراج که از آن بیشتر به هدایا و پیشکشی تعبیر می‌شد به شاهنشاه تقدیم می‌نمودند. گاهی ارزش و قیمت این هدایا و پیشکش‌ها در ابقاء و عزل حاکم در مقامش نقش مهمی داشت.^{۳۶} در اغلب اوقات این پیشکش و هدایای ارزشمند می‌توانست حاکم را از مورد تهدید واقع شدن مقامش در برابر شکوه و شکایات‌های متعددی که اغلب اوقات از رفتارهای نامناسب او توسط مردم به گوش دربار می‌رسید، نجات بخشد. اقدام حاکم در تقدیم به موقع مالیات و پیشکش‌ها نشانه‌ای مهم در ابراز وفاداری محسوب می‌شد و نیز عاملی در بقا و تداوم حکمرانی‌اش به شمار می‌آمد. اگر حاکم از پرداخت مالیات سالانه استنکاف می‌ورزید و هیچ توجیهی از قبیل سیل، خشکسالی، و بلایای رایج که مانع اخذ مالیات شده باشند، وجود نداشت به عزل وی از مقامش و حتی در مواردی لشکر کشی به محل حکمرانی مواجه می‌شد. برای نمونه بهانه دومیین عزل رضا قلی خان والی اردلان از حکومت، پرداخت نکردن به موقع مالیات بود.^{۳۷} کوتاهی حسنعلی فرمانفرمای فارس در پرداخت مالیات موجب لشکرکشی شاه به فارس گردید.^{۳۸} شمار دیگری از حکام نیز به جهت تأخیر و یا پرداخت نکردن مالیات از کار برکنار شدند.^{۳۹} برخورد شدید حکومت مرکزی با حکام خاطی در مسأله مالیات و عزل فوری ایشان و در مواردی هم لشکرکشی به جهت تنبیه این حکام نشان‌گر میزان اهمیت مالیات و نقش حکام در تأمین آن در ایالات و ولایات می‌باشد.

در واقع حاکم بالاترین مقام اقتصادی هر ایالت یا ولایت بود و بر امور مالی نظارت داشت. او نظارت عالی بر درآمدها نحوه هزینه آن‌ها و در شرایط بحرانی و اوضاع نابسامان اقتصادی، درخواست عفو و یا تمدید زمان پرداخت مالیات را بر عهده داشت. نظارت بر امور مالی و اقتصادی و پرداخت مالیات ایالت و پاسخگو بودن در مقابل حکومت مرکزی از وظایف اصلی حکام به شمار

۳۵. هنری راولینسون، سفرنامه راولینسون: گذر از زهاب به خوزستان، ترجمه اسکندر امان الهی بهاروند (تهران: آگاه، ۱۳۶۲)، ص ۱۵۰.

۳۶. لرد ناتانیل کرزن، ایران وقصیه ایران، ج ۲، ترجمه وحید مازندرانی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲)، ص ۵۸۰.

۳۷. شکرالله سنندجی، تحفه ناصری (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶)، ص ۲۲۶.

۳۸. هدایت، ج ۹، بخش دوم، ص ۸۰۶۱.

۳۹. محمد جعفر خورموجی، تاریخ قاجار: حقایق الاخبار ناصری، ج ۲، به کوشش حسین خدیوچم (تهران: زوار، ۱۳۴۴)، ص ۲۸۷.

؛ هدایت، ج ۹، بخش دوم، ص ۷۵۵۵؛ همان، ج ۱۰، ص ۸۳۸۳؛ همان، ج ۱۰، ص ۸۳۸۱؛ همان، ج ۱۰، ص ۸۲۹۹؛ اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، تصحیح اسماعیل رضوانی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷)، ص ۱۴۳۰.

می‌آید. هرساله حاکمان باید برای پاسخگویی در زمینه مسائل مالی در پایتخت حاضر می‌شدند.^{۴۰} این مسأله شامل حال شاهزادگان حاکم و حتی کسانی که از حکومت برکنار می‌شدند نیز بود و باید قبل از تحویل حکومت حساب مالی ایالت و یا ولایت تسویه می‌شد. برای نمونه به دنبال عزل بهمن میرزا برادر محمد شاه و حکمران آذربایجان وی منظور تسویه حساب امور مالی ایالت به مرکز حکومت احضار شد و تنها پس از انجام اقدام مزبور اجازه یافت ایران را به مقصد روسیه ترک کند.^{۴۱} همچنین حکام بر کار ضابطین مالی، میزان و چگونگی اخذ مالیات از سوی ایشان نظارت داشتند.^{۴۲}

از جمله وظایف مالی حکام ایالات ضرب سکه بود. قبل از ایجاد ضراب خانه مرکزی در ایالات و ولایات در هنگام مرگ یک شاه و روی کار آمدن شاه جدید به نام شاه جدید سکه ضرب می‌شد. در فارسنامه ناصری در این خصوص آمده است: «جناب حسین خان نظام الدوله صاحب اختیار فارس از مرگ محمد شاه اطلاع یافت. بزرگان فارس را بخواست و واقعه را بگفت و آن روز تعزیت بداشت و روز دیگر کلمه السلطان ناصرالدین شاه بر درهم و دینار سکه زد و مجلس به تهنیت بیاراست و از زر و سیم نو، سکه بر مردمان بخشش و از دو پیشکش لایق، از سکه نو و کهنه، انفاذ حضور همایونی بداشت.»^{۴۳} همچنین حکام وظیفه داشتند به کیفیت سکه‌ها و پول‌های رایج در ایالت و ولایت نظارت کنند که تقلبی، مغشوش، و یا با عیار کم نباشند.^{۴۴} با اقدامات سپهسالار و تأسیس ضراب خانه مرکزی این وظیفه به وظیفه حکام در جلوگیری از ضرب سکه در ایالات تابعه تغییر یافت.^{۴۵}

در مواقع بحرانی و بروز قحطی، تهیه مایحتاج اصلی مردم چون نان و گوشت از وظایف حکام به شمار می‌آمد.^{۴۶} در این مواقع وظیفه سنگین مدیریت بحران بر عهده حکام بود.

۴۰. نظام السلطنه مافی، ج ۱، ص ۱۱۷.

۴۱. سپهر، ج ۲، ص ۹۰۶.

۴۲. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۲، جمعه بیست و دوم جمادی الثانی ۱۲۶۷، ص ۳.

۴۳. حسینی فسایی، ج ۱، ص ۷۸۱.

۴۴. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۸۷، پنجشنبه ۲۸ ذی‌قعدة ۱۲۷۲، ص ۶؛ همان، نمره ۲۷۷، پنجشنبه ۱۷ رمضان ۱۲۷۲، ص ۴؛

نظام السلطنه مافی، ج ۱، ص ۲۲۵.

۴۵. تلگراف نمره ۱۲۲ تفویض امر ضرابخانه به امین السلطان، تلگرافات سپهسالار (خط تبریز)، به کوشش محمود طاهری

احمدی (تهران: اسناد ملی، ۱۳۷۰)، ص ۱۹۸.

۴۶. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۹، شعبان ۱۲۶۷؛ همان، نمره ۱۲، جمعه یازدهم ربیع الثانی ۱۲۶۷، ص ۵؛ نظام السلطنه مافی،

ج ۱، ص ۸۵ و ۸۸.

معمولا حکام، برای جلوگیری از تنش، در مواقع قحطی و یا سایر بحران‌ها از حکام همجوار نیز مدد می‌جستند و در مواردی نوعی تعاون و همکاری برای حل مشکلات به وجود می‌آمد.^{۴۷} اعتمادالسلطنه در همین خصوص می‌نویسد: «دار الخلافه و اصفهان جنس و غله تسعیر دارد و از سایر ولایات ممالک محروسه حکام به این دو ولایات گندم و برنج و ... حمل می‌نمایند.»^{۴۸} حکام ایالات و ولایات در پیش‌آمدهای بحرانی معمولا از حکومت مرکزی تقاضای مساعدت می‌کردند که یا به صورت تقاضای عفو مالیاتی و یا اعطای فرصت و زمان بیشتر در پرداخت مالیات بود.^{۴۹}

در راستای ایجاد شکوفایی اقتصادی در ایالات، تعدادی از حکام به حمایت و رشد صنایع و کشاورزی در ایالات خود پرداختند. در این خصوص با عنایت دولت مرکزی در دوران صدارت امیرکبیر اقدامات فراوانی توسط حکام صورت گرفت. رشد صنایع مختلف چون شکرسازی در همدان، بلورسازی در تهران، شالبافی در کرمان در این راستا انجام گرفت.^{۵۰} گاهی حکام در جهت حمایت از صنعتگران و اصناف، از حکومت مرکزی تقاضای تخفیف مالیاتی به جهت ایشان می‌نمودند. در سال ۱۲۶۹ به پیشنهاد نواب حشمت الدوله حکمران آذربایجان، پانصد تومان به اصناف تبریز تخفیف مرحمت شد.^{۵۱} همچنین در مواردی تجار و بازاریان و صاحبان صنایع، از سوی حکام مورد تشویق قرار می‌گرفتند.^{۵۲} حکام ایالات و ولایات وظیفه داشتند سیاهه‌ای از واردات و صادرات ایالت و ولایت خود تهیه کرده و به تهران ارسال کنند.^{۵۳} تعدادی از حکام در زمینه کشف و استخراج معادن نیز اقداماتی انجام می‌دادند.^{۵۴}

۴۷. خانبابا بیانی، پنجاه سال تاریخ ایران، ج ۴ و ۵ و ۶ (تهران: علم، ۱۳۷۵)، ص ۱۶۳؛ مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به شماره ۲۹۶/۸۷۳۴.

۴۸. اعتمادالسلطنه، مرات البلدان، ج ۲، ص ۱۳۷۲.

۴۹. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۹۳، پنجشنبه ۱۹ محرم ۱۲۷۱، ص ۳.

۵۰. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱، جمعه ۵ ربیع الثانی ۱۲۶۷، ص ۳؛ اعتمادالسلطنه، مرات البلدان، ج ۲، ص ۱۱۱۴ و ۱۱۱۵ و ۱۱۲۵ و ۱۱۲۶.

۵۱. اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۴۹.

۵۲. روزنامه وقایع اتفاقیه نمره ۴۹، پنجشنبه ۱۶ ربیع الاول ۱۲۶۷، ص ۳.

۵۳. مکتوب میرزا آقاخان نوری به احتشام‌الدوله در باب سیاهه‌ای از تولیدات و واردات و صادرات عربستان و لرستان و بروجرد شعبان ۱۲۶۸ به نقل از: منوچهر احتشامی، خوزستان و لرستان در عصر ناصری به روایت فرمان‌های ناصرالدین شاه (تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۸۳)، ص ۱۰۰.

۵۴. اعتمادالسلطنه، مرات البلدان، ج ۳، ص ۱۳۸۷؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۵، جمعه ۳ جمادی الاول ۱۲۶۷، ص ۵.

کارکرد نظامی حکام

حکام در دوره قاجار در زمینه نظامی نیز دارای وظایف و کارکردهایی بوده‌اند. اولین و مهم‌ترین کارکرد نظامی حکام، به ویژه حکام مرزی، حراست از مرزها و مقابله با تهاجمات بیگانگان در مرزها بود. حفاظت حکام خراسان و مازندران از تهاجم ازبکان و ترکمانان به مرزهای شمال شرقی کشور،^{۵۵} مقابله حاکمان کرمان با تهاجمات بلوچان،^{۵۶} و همچنین تلاش حکمرانان فارس در سواحل خلیج فارس برای مقابله با هجوم اعراب و وهابیون،^{۵۷} و نیز مبارزه با تهاجمات دولت عثمانی در همین راستا صورت می‌گرفت.^{۵۸} حکام مرزی وظیفهٔ ممانعت از ایجاد موانع و مشکلات و خدشه دار شدن عهدنامه‌ها و قراردادهای منعقدۀ مرزی ایران با سایر دول را نیز بر عهده داشتند. مهم‌ترین اقدام حکام مناطق مرزی در این زمینه، جلوگیری از تجاوز و تعدی ایلات داخل ایران از مرزهای تعیین شده بود.^{۵۹}

از دیگر کارکردهای نظامی حکام، شرکت و همراهی با حکومت مرکزی و حضور مستقیم در جنگ‌ها بود.^{۶۰} امداد رسانی و رساندن آذوقه و مهمات به سپاهیان شاه و یا سپاهیان مأمور در ایالات همجوار نیز از وظایف نظامی حکام به شمار می‌آمد.^{۶۱}

اهمیت فراهم آوردن نیروی نظامی برای حکومت مرکزی تا بدان جا بود که برخی حکام در صورت اعطای نیروی نظامی از پرداخت مالیات معاف می‌شدند؛ به عنوان نمونه، فریزر از روستایی به نام «چارده» نام برده که به موجب فرمان شاه از پرداخت مالیات معاف بود به شرط این که سیصد سرباز برای فوج دامغان آماده کند.^{۶۲} همچنین برخی حکام مانند حکام

۵۵. اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۸۳۲؛ اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۷۰۰؛ هدایت، ج ۹، بخش دوم، ص ۱۴۹۲.

۵۶. وزیرری کرمانی، ج ۲، ص ۷۹۳.

۵۷. اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۴۹۶؛ فسایی، ج ۱، ص ۷۱۵.

۵۸. فضل‌الله خاوری شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، ج ۱، تصحیح ناصر افشار (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۲۵۱؛ مردوخ کردستانی، تاریخ کردستان (تهران: کارنگ، ۱۳۷۹)، ص ۳۸۰؛ اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۴۸۳.

۵۹. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۱۱ پنج‌شنبه بیست و دوم جمادی الاول ۱۲۶۹، ص ۵؛ مکتوب ناصرالدین شاه به احتشام الدوله در خصوص برقراری امنیت در سرحد و ندادن بهانه به دست عثمانی برای حمله به ایران، صفر المظفر ۱۲۷۵. به نقل از: احتشامی، ص ۲۱.

۶۰. سپهر، ج ۲، ص ۶۹۴؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۱۸، پنج‌شنبه ۲۰ جمادی الاولی سال ۱۲۶۹، ص ۲.

۶۱. سپهر، ج ۲، ص ۹۹؛ ساروی، ص ۱۲۸۷.

۶۲. جیمز بیلی فریزر، سفرنامه فریزر، سفرنامه زمستانی (تهران: توس، ۱۳۶۴)، ص ۴۸۴.

باخرز، بجنورد، دره گز، و همچنین قاینات ملزم به تدارک نیروی نظامی برای دولت مرکزی بودند.^{۶۳}

تعدادی از حاکمان، در عین داشتن مسئولیت حکومت، به سرداری قشون ایالات و یا ولایت تحت حکومت خود نیز می رسیدند. سردار قشون مسئولیت پشتیبانی، تدارکات، نظارت، سرکشی، و اعزام نیروها و نظامیان به مناطق مختلف را بر عهده داشت.^{۶۴} به منظور تجهیز نیروی نظامی واقع در ایالات و ولایات، حکام همچنین وظیفه نظارت بر تعلیم و تربیت نظامیان و دیدن سان از نیروهای مزبور در مرکز ایالت یا ولایت را بر عهده داشتند.^{۶۵} همچنین به منظور بالا بردن روحیه سربازان، حکام وظیفه تجلیل و تشویق سرکردگان نظامی که در جنگ‌ها از خود رشادت نشان می‌دادند را نیز عهده دار بودند.^{۶۶} حکام همچنین وظیفه داشتند پوشش یک شکل نظامی و تجهیزات مورد نیاز سربازان منطقه تحت حکومت خود را فراهم نمایند.^{۶۷} حکام همچنین موظف بودند به منظور بالا بردن توان نظامی منطقه تحت حکومت خود به ساخت خندق و تعمیر برج و باروی شهر اقدام کنند.^{۶۸} ساختن سربازخانه و سایر ملزومات و استحکامات سرحدی توسط حاکمان مرزی، از دیگر وظایف حکام در حیطه نظامی محسوب می شد.^{۶۹} گاهی برخی حکام از سوی حکومت مرکزی مأمور ساختن تجهیزات نظامی، از جمله ریختن توپ، بودند.^{۷۰}

نتیجه گیری

حکام در ایالات و ولایات در راس امور سیاسی اداری، مالی، و نظامی قرار داشتند و به

۶۳ چارلز ادوارد بیت، سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری (تهران: یزدان، ۱۳۶۵)، ص ۱۲۱؛ کرزن، ج ۱، ص ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۷۲.

۶۴ اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۲، ص ۱۴۰۵.

۶۵ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۵، سوم جمادی الاول ۱۲۶۷، ص ۵.

۶۶ مکتوب آقاخان نوری به احتشام‌الدوله مبنی بر تجلیل از برخی سرکردگان و سرتیپانی که در جنگ با انگلیس جانفشانی کرده‌اند. به نقل از: احتشامی، ص ۱۸.

۶۷ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲، جمعه یازدهم شهر ربیع الثانی ۱۲۶۷، ص ۳.

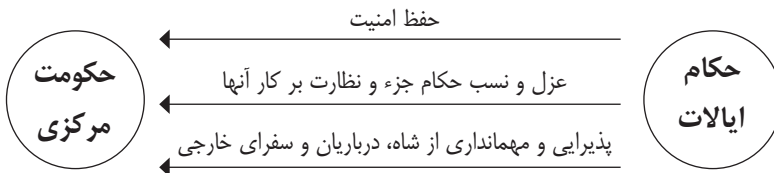
۶۸ روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۶، جمعه بیست و یکم شهر رجب ۱۲۶۷، ص ۴؛ همان، نمره ۷۶، پنج شنبه بیست و هفتم ماه رمضان ۱۲۶۸، ص ۳.

۶۹ بیت، ص ۲۵۸.

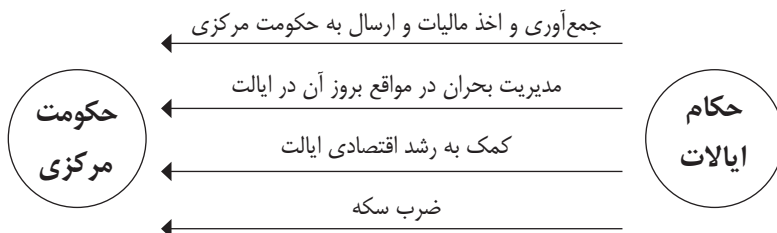
۷۰ مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به شماره ۲۹۵/۴۴۳.

همین دلیل از سوی حکومت مرکزی وظایف متعددی به عهده ایشان محوّل می‌شد. با بررسی منابع این دوره و به خصوص منابع رسمی دولت قاجار، متوجه اهمیت برخی از وظایف و کارکردهای حکام نسبت به سایر کارکردهای آنان می‌شویم. تعداد بالای موارد عزل حکام در زمان ناکارآمدی ایشان یا عملکرد بد در برخی زمینه‌های کارکردی، نشانه و سند محکمی در اثبات اولویت بندی در وظایف حکام از نظر حکومت مرکزی به شمار می‌رود. با بررسی منابع در می‌یابیم که وظیفه حفظ امنیت و جلوگیری از شورش و بی‌نظمی‌ها مهم‌ترین وظیفه حکام به حساب می‌آمد. حکامی که با ناتوانی در برخورد و سرکوب شورش‌ها و بی‌نظمی‌ها مواجه می‌شدند، از سوی حکومت مرکزی با آنان برخورد می‌شد و از منصب خود برکنار می‌گردیدند. برای نمونه، یکی از دلائل ضعف و سقوط حکومت محلی اردلان ریشه در ناتوانی این حکومت در سرکوب شورش‌ها داشت. دیگر کارکرد مهم حکام را در مسأله مالیات‌ها باید جست. ناتوانی و یا کم‌کاری در حیطه مالیات و ادای آن، گریبان‌گیر بسیاری از حکام و حتی در مواردی شاهزاده‌های حاکم نیز می‌شد و به برکناری آنان از حکومت می‌انجامید. فراهم آوردن نیروی نظامی برای دولت مرکزی، دیگر وظیفه مهم حکام در این دوره بود. نابسامانی در مرزهای ایران و امکان هجوم بیگانگان و در مواردی نیز شورش‌های داخلی، بر اهمیت این کارکرد می‌افزود. تا جایی که در برخی موارد، حکومت مرکزی به جای اخذ مالیات به گرفتن سرباز از ایالات و ولایات بسنده می‌کرد. با عنایت به یافته‌های فوق، وظایف اصلی حکام دوره قاجار را در سه مورد زیر می‌توان خلاصه کرد: ۱- تأمین امنیت و سرکوب شورش‌ها. ۲- اخذ مالیات. ۳- تأمین نیروی نظامی در جنگ‌ها. در تمامی دوران قاجار انجام این سه وظیفه به عنوان عامل بقای حکام نقش مهمی را ایفا می‌کرد.

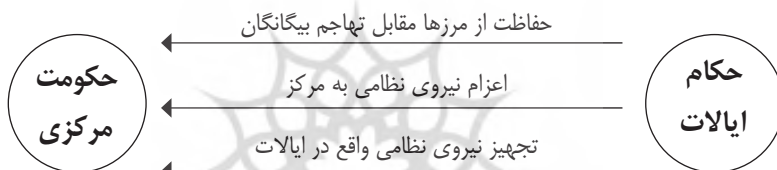
کارکرد سیاسی اداری



کارکرد اقتصادی



کارکرد نظامی



کتابنامه

آدمیت، فریدون و هما ناطق. افکار اجتماعی و سیاسی اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار. تهران: آگاه، ۱۳۵۶.

احتشامی، منوچهر. خوزستان و لرستان در عصر ناصری به روایت فرمانهای ناصرالدین شاه. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۸۳.

اردلان، خسرو محمد بن منوچهر. لب التواریخ: تاریخ اردلان. تهران: کانون خانوادگی اردلان، ۲۵۳۶. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان. تاریخ منتظم ناصری. ج ۳. تصحیح اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۶.

_____ . روزنامه خاطرات. با مقدمه و فهرس ایرج افشار. تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۰.

_____ . صدر التواریخ. به کوشش محمد مشیری. تهران: روزبهان، ۱۳۵۷.

_____ . مرآت البلدان. ج ۳ و ۲. تصحیح عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

افضل الملک، غلامحسین. افضل التواریخ. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.

اولیویه، گیوم آنتوان. سفرنامه اولیویه. ترجمه محمد طاهر میرزا. به تصحیح غلامرضا ورهرام. تهران: اطلاعات،

۱۳۷۹.

بابانی، عبدالقادر بن رستم. سیرالاکراد در تاریخ جغرافیای کردستان. به کوشش محمد یوسف رئوف توکلی. تهران: توکل، ۱۳۷۷.

بیانی، خانابا. پنجاه سال تاریخ ایران. ج ۴، ۵ و ۶. تصحیح غلامرضا ورهرام. تهران: نشر علم، ۱۳۷۵.
بیت، چارلز ادوارد. سفرنامه خراسان و سیستان: شرح سفر کنل بیت به ایران و افغانستان. ترجمه قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری. تهران: یزدان، ۱۳۶۵.

تلگرافات سپهسالار (خط تبریز). به کوشش محمود طاهر احمدی. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی، ۱۳۷۰.

چریکف، مسیو. سیاحت نامه. ج ۲. ترجمه آبکار مسیحی. به کوشش علی اصغر عمران. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹.

حسینی فسایی، میرزا حسن. فارسنامه ناصری. ج ۱. به کوشش منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
خاوری شیرازی، فضل الله. تاریخ ذوالقرنین. ج ۱. به کوشش ناصر افشار. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

خورموجی، محمد جعفر. تاریخ قاجاریه: حقایق الاخبار ناصری. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: زوار، ۱۳۴۴.

دروویل، گاسپار، سفر در ایران. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم. تهران: شباویز، ۱۳۷۰.
راولینسون، هنری کریزک. سفرنامه راولینسون: گذر از ذهاب به خوزستان. ترجمه اسکندر امان الهی بهاروند. تهران: آگاه، ۱۳۶۲.

ساروی، فتح الله بن محمد تقی. احسن التواریخ یا تاریخ محمدی. به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.

سپهر، محمدتقی. ناسخ التواریخ. به کوشش جمشید کیانفر. تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
سندجی، شکرالله بن عبدالله. تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. تصحیح حشمت الله طیبی. تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۶.

سیاح محلاتی، محمدعلی. خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. به کوشش محمد سیاح. تهران: ابن سینا، ۱۳۴۶.

فریزر، جیمز. سفرنامه فریزر معروف به سفرنامه زمستانی. ترجمه منوچهر امیری. تهران: توس، ۱۳۶۴.
کرزن، لرد ناتانیل. ایران و قضیه ایران. ج ۱ و ۲. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.

گرمودی، میرزا عبدالفتاح. سفرنامه ممسنی. تهران: اشرف، ۱۳۵۶.
لمتون، آن کاترین سواینفورد. ایران در عصر قاجار. ترجمه سیمین فصیحی. تهران: انتشارات جاوید خرد، ۱۳۷۵.

مردوخ کردستانی، محمد. تاریخ کردستان. تهران: کارنگ، ۱۳۷۹.

- مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری ایران در دوره قاجار. تهران: زوار، ۱۳۷۱.
- ملکم، سرجان. تاریخ ایران. ترجمه اسماعیل حیرت. تهران: فرهنگسرا، ۱۳۶۲.
- موریه، جیمز جاستی نین. سفرنامه جیمز موریه. ج ۱. ابوالقاسم سری. تهران: توس، ۱۳۸۶.
- ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه عراق عجم، به انضمام تاریخ و جغرافیای عراق عجم. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۶.
- نائینی، محمد جعفر. جامع جعفری. به کوشش ایرج افشار. تهران: انجمن آثار علمی، ۱۳۵۲.
- وزیری کرمانی، احمد علی خان. تاریخ کرمان. به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: ابن سینا، ۱۳۵۴.
- هدایت، رضاقلی خان. تاریخ روضه الصفای ناصری. تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر. تهران: اساطیر، ۱۳۸۰.
- وقایع نگار کردستانی، علی اکبر. حدیقه ناصری و مرآت المظفر جغرافیا و تاریخ کردستان. تصحیح محمد رؤف توکلی. تهران: توکلی، ۱۳۸۱.

روزنامه‌ها

- روزنامه وقایع الاتفاقیه. نمره ۹۹. پنج شنبه ۱۲ ربیع الاول سال ۱۲۶۹.
- _____ . نمره ۱۲. جمعه بیست و دوم جمادی الثانی ۱۲۶۷.
- _____ . نمره ۲۸۷. پنج شنبه ۲۸ ذیقعد ۱۲۷۲.
- _____ . نمره ۲۷۷. پنج شنبه ۱۷ رمضان ۱۲۷۲.
- _____ . نمره ۱۹. شعبان ۱۲۶۷.
- _____ . نمره ۱. جمعه ۵ ربیع الثانی ۱۲۶۷.
- _____ . نمره ۴۹. پنج شنبه ۱۶ ربیع الاول ۱۲۶۷.
- _____ . نمره ۱۱۱. پنج شنبه بیست و دوم جمادی الاول ۱۲۶۹.
- _____ . نمره ۵. سوم جمادی الاول ۱۲۶۷. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- _____ . نمره ۲. جمعه یازدهم شهر ربیع الثانی ۱۲۶۷.
- _____ . نمره ۱۶. جمعه بیست و یکم شهر رجب ۱۲۶۷.
- _____ . نمره ۳۰۷. ربیع الثانی ۱۲۷۳.
- _____ . نمره ۲۷۷. پنج شنبه ۱۷ رمضان ۱۲۷۲.
- _____ . نمره ۱۹۳. پنج شنبه ۱۹ محرم ۱۲۷۱.
- _____ . نمره ۱۱۸. پنج شنبه ۲۰ جمادی الاولی سال ۱۲۶۹.

اسناد

- مجموعه اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اسناد شماره ۲۹۵/۸۹۰، ۲۹۱/۱۱۰۰، ۲۹۶/۵۳۲۰، ۲۹۵/۴۴۳، ۲۹۶/۲۱۴، ۲۹۶/۸۷۳۴، ۲۹۳/۹۷/۱۷۲۰۵.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی